

نگاهی مختصر به زندگی، آثار و سبک‌شناسی شعر شیخ بهایی

آزیتا افراشی^۱

۱. از تولد تا انتصاب به شیخ‌الاسلامی اصفهان

بهاء‌الدین محمد، پسر شیخ حسین بن عبدالصمد، ملقب به بهاء‌الدین عاملی (غلامحسین مصاحب، دایره‌المعارف فارسی، ص ۱۵۲۲) یا شیخ بهایی، در بیست و هفتم ذیحجه سال ۹۵۳ هـ.ق. به دنیا آمد (سعید نفیسی، دیوان شیخ بهایی، ص ۲۲). نسبت وی به حارث همدانی، یار و همراه حضرت علی (ع) بازمی‌گردد (شیخ بهایی، اربعین، ص ۹). زادگاه شیخ بهایی، شهر بعلبک است. بعلبک یا هلیوپولیس (به معنی شهر خورشید) در شرق لبنان کنونی واقع بود (غلامحسین مصاحب، دایره‌المعارف فارسی، ص ۴۳۳). اکنون در آن محل در میانه راه دمشق به حلب آبادی کوچکی قرار دارد (کلیات اشعار و آثار فارسی شیخ بهایی، ص ۶).

۱- مدرس رشته زبان‌شناسی، دانشگاه آزاد، مرکز تحصیلات تکمیلی تهران مرکز

۲. سفرها

شیخ چندی پس از انتصاب به شیخ‌الاسلامی اصفهان در صدد سفر با درویشان برآمد و به عراق، سوریه، مصر و بیت‌المقدس رفت (کلیات اشعار و آثار فارسی شیخ بهایی، ص ۱۲). پس از غلبه بر عثمانیان (۱۰۰۸ هـ.ق.)، شیخ بهایی در سفر معروف شاه‌عباس صفوی به مشهد همراه او بود (سعید نفیسی، دیوان شیخ بهایی، ص ۲۹). مسافرت‌های وی به تبریز، کاشان و هرات نیز گزارش شده است (کلیات اشعار و آثار فارسی شیخ بهایی، ص).

۳. استادان شیخ بهایی

شیخ بهایی تفسیر، فقه و حدیث را نزد پدرش فراگرفت (دیوان شیخ بهایی، ص ۲۳). علم کلام را از مولانا عبدالله مدرس یزدی. و ریاضی را از ملاعلی مذهب آموخت (کشکول، ص ۹): در فقه و حدیث از محضر محقق ثانی، شیخ عبدالعالی کرکی بهره برد؛ حدیث عامه را نزد شیخ محمدبن محمدبن ابی‌اللطیف مقدسی شافعی فرا گرفت. و در طب از محضر حکیم عمادالدین محمود نطاسی محنک استفاده کرد (اربعین، ص ۱۰).

۴. علمای هم‌عصر شیخ بهایی

شیخ با دو اندیشمند صاحب نام دوران، صفویه - میرمحمد باقر داماد و میرابوالقاسم فندرسکی - هم‌عصر و همنشین بود (اربعین، ص ۹).

۵. شاگردان

شیخ بهایی بر کرسی تدریس، سی و سه شاگرد فاضل و صاحب اندیشه پرورده که برخی از ایشان از دانشمندان به نام قرن یازدهم هـ.ق. محسوب می‌شوند از آن جمله می‌توان به

صدرالدین محمدبن ابراهیم شیرازی (ملقب به ملاصدرا). محمدمحسن فیض کاشانی، ملامحمد تقی مجلسی، یحیی لاهیجی، ملامحمد باقر معروف به محقق سبزواری اشاره کرد.

۶. آثار

نقیسی (دیوان شیخ بهایی، صص ۶۵ تا ۷۷) فهرستی مشتمل بر هشتاد و هشت کتاب و رساله، نوشته شیخ بهایی ارائه می‌دهد که عمدتاً در موضوعات حدیث، تفسیر، اصول، ادعیه، فقه، حکمت و ریاضیات تدوین شده‌اند. از آن میان اشاره به موارد زیر ضروری می‌نماید (اربعین، ص ۱۰).

(الف) فقه و اصول: جامع عباسی، حبل‌المتین، مشرق‌الشمسین.

(ب) درایه و رجال: الوجیزه در علم درایه، حاشیه رجال نجاشی.

(پ) تفسیر: حواشی بر تفسیر بیضاوی و کشاف، عروه الوثقی، عین‌الحیاه.

(ت) حدیث: اربعین، شرح من لایحضره الفقیه.

(ث) ادبیات و حکمت: اسرار البلاغه، فوائد الصمدیه، حاشیه بر مطلق‌الکشکول، مثنوی‌های

نان و پنیر، شیر و شکر و نان و حلوا.

(ج) ادعیه: مفتاح‌الفلاح، شرح دعای صباح، شرح صحیفه سجادیه.

(چ) ریاضیات: بحر‌الحساب، جبر و مقابله، خلاصه الحساب و الهندسه.

(ح) هیئت و نجوم: تشریح‌الافلاک، رساله اعمال اسطرلاب، رساله تضاریس الارض.

۷. مبانی اندیشه و دستاوردها

شیخ بهایی یکی از علمایی است که به تقویت بنای مذهب تشیع در دوران صفویه همت گماشت. مناظرات وی با پیشوایان اهل سنت و پاسخ‌های عالمانه او به آنها در کتاب الخزائن ثبت شده است (کلیات اشعار و آثار فارسی شیخ بهایی، ص ۱۶). او نخستین کسی است که یک دوره احکام فقه غیراستدلالی به صورت رساله عملیه به زبان فارسی نوشت. این کتاب جامع عباسی نام دارد (اربعین، ص ۹). شیخ بهایی به طریقت تصوف گرایش داشت و از ذوق عرفانی برخوردار بود (کشکول، ص ۱۱). او به نام ادیب، شاعر، فیلسوف، ریاضیدان، مهندس، فقیه، مفسر و طبیب شناخته می‌شود (اربعین، ص ۹). شیخ بهایی در علوم غریبه مانند رمل، جفر و طلسمات نیز دست داشت و آثاری در این ارتباط تألیف کرده است (کلیات اشعار و آثار فارسی شیخ بهایی، ص ۲۰).

در توصیف توانمندی شیخ بهایی در ریاضیات و معماری همان بس که معماری مسجد شاه اصفهان و حصار نجف را به او نسبت می‌دهند. همچنین، گفته می‌شود که ساعت آفتابی واقع در غرب مسجد شاه را وی طراحی کرده است (دیوان شیخ بهایی، ص ۴۸). نقشه تقسیم آب زاینده‌رود، به نام «طومار شیخ بهایی»، نخستین طرح تقسیم آب زاینده‌رود در اصفهان و روستاهای مجاور آن به دستور شاه‌عباس و تنظیم شیخ بهایی است (دیوان شیخ بهایی، ص ۴۹).

طراحی کاریز نجف‌آباد اصفهان به نام «قنات زرین‌کمر» را نیز از آن شیخ بهایی می‌دانند (دیوان شیخ بهایی، ص ۴۹). از دیگر کارهای شگفتی که به او نسبت می‌دهند، ساخت «حمام شیخ بهایی» یا «حمام شیخ» واقع در اصفهان است که گرمابه آن با یک شمع گرم می‌شده است (دیوان شیخ بهایی، ص ۵۱).

۸. سروده‌های فارسی

شیخ بهایی به فارسی و عربی شعر می‌سرود (کلیات اشعار و آثار فارسی شیخ بهایی: ص ۲۰)، نفیسی سروده‌های فارسی وی را به مثنوی، غزل، قطعه، رباعی و ابیات پراکنده تقسیم می‌کند (دیوان شیخ بهایی، ص ۸۳). شیخ بهایی در سرودن مثنوی، از مثنوی مولوی الگو گرفته و در غزل و رباعی از حافظ الهام پذیرفته است (دیوان شیخ بهایی، صص ۸۳-۸۷). یکی از مثنوی‌های برجای مانده از شیخ، نامی ندارد ولی از آنجا که در سه نقطه آن تخلص شیخ آورده شده، نسبت به این مسئله می‌توان اطمینان حاصل کرد که به شیخ بهایی تعلق دارد. نفیسی این مثنوی بی‌نام را «طوطی‌نامه» می‌نامد (دیوان شیخ بهایی، ص ۸۵). در مرحله بعد می‌توان به مثنوی «سوانح السفر الحجان» اشاره کرد که به «نان و حلوا» معروف است؛ و باز هم تابع الگوی مثنوی مولوی است، پس از آن مثنوی «شیر و شکر» مندرج در کشکول است که در بحر «خُبب» یکی از بحور متداول میان شعرای عرب سروده شده و پیش از بهایی کسی در این بحر شعر فارسی نسروده بود. بیت اول از این قصیده به قرار زیر است:

ای مرکز دایره امکان وی زبده عالم کون و مکان

مثنوی دیگر به نام «نان و پنیر» از زبان موش و گربه روایت شده و باز هم به سیاق مثنوی مولوی است.

۹. سبک‌شناسی شعر شیخ بهایی

براساس آنچه در بخش ۸ مورد اشاره قرار گرفت. سوال قابل طرح در این مرحله آن است که چرا شیخ بهایی برخلاف گرایش سبکی رایج میان شعرای هم‌عصرش شعر می‌سروده است؟ به بیان ساده‌تر چرا در دوره غلبه سبک شعر هندی، شیخ بهایی کماکان به سبک عراقی متمایل بوده است؟

شاید بتوان برای این مسئله. توجیهی تاریخی ارائه داد. ممکن است اشعار حافظ به‌طور برجسته معرف سبک عراقی محسوب شود، کوروش صفوی (مجله زبان و ادب، ص ۲۹) در

تحلیل فلسفه شکل‌گیری سبک عراقی، مدعی می‌شود که اندیشه حاکم بر آن ایام یعنی - حکمت اشراق شیخ شهاب‌الدین سهروردی و شرایط سیاسی حکومت مغول ایجاب می‌کرده انتخاب واژه‌ای به جای واژه دیگر معنی اوج استعاره‌پردازی مطلوب تلقی شود. به عبارت دیگر در قالب اندیشه اشراقی هر پدیده تجلی وجود پدیده‌ای دیگر است. برای نمونه، مصراع زیر ممکن است به معنایی کاملاً متفاوت از معنی اولیه واژه‌های آن دلالت کند.

عاشق و رندم و میخواره به آواز بلند

حافظ

.....

در دوره امپراطوری صفویه، پادشاهان این سلسله به ترویج مذهب شیعه توجهی خاص داشتند و شعر فارسی نیز صرفاً در این مسیر رونق داشت.

به گفته عبدالحسین زرین‌کوب کار شاعران از رونق افتاد و شعر جز نزد عامه طرفدار نداشت. در مقابل، مقارن با همین ایام، در دربار پادشاهان گورکانی در هند، به‌ویژه امپراطور اکبر، نورالدین جهانگیر و شاه جهان، شعر و ادب فارسی مورد حمایت قرار می‌گرفت. همین امر موجب شد تا شاعران فارسی به هند مهاجرت کنند. این مهاجران با خود سبکی را در شعر فارسی به هندوستان بردند که با سبک مورد تأیید در آن دیار درآمیخت تا در دربار گورکانیان مطلوب واقع شود. به این ترتیب «سبک هندی» پدید آمد که در هندوستان مقبول افتاد ولی در ایران مورد استقبال قرار نگرفت (تذکره شعرای پنجاب، ص ۹). صائب و بیدل هر دو از همین سبک تأثیر پذیرفته‌اند.

با این اوصاف دلیلی برای مهاجرت شیخ بهایی از دربار صفویان به دربار گورکانیان وجود نداشت. زیرا وی در مقام شیخ‌الاسلام اصفهان از ارج و قرب کافی در آن دربار برخوردار بود. بنابراین تنها استدلالی که در این ارتباط می‌توان ارائه داد آن است که احتمالاً وی در حایلی از استعاره‌هایی که سبک عراقی برای شاعر فراهم می‌آورد. امکان آن را به دست می‌آورده تا علیرغم حضور در دربار شاه صفوی و ضوابطی که سیاست حاکم برای

شعر معین می‌کرد، آنچه را که می‌خواست بسراید. به همین دلیل سبک شعر شیخ بهایی با برچسب سبک هندی معرفی نمی‌شود و وی تابع سبک عراقی محسوب می‌گردد.

کتابنامه

۱. منشی، اسکندر بیک، تاریخ عالم آرای عباسی، تهران ۱۳۱۴.
۲. رشید. ک. الف. تذکره شعرای پنجاب، کراچی، آکادمی اقبال، ۱۳۴۶.
۳. زرین‌کوب، عبدالحسین. سیری در شعر فارسی، تهران، انتشارات نوین، ۱۳۶۷.
۴. شیخ بهایی، اربعین، ترجمه خاتون‌آبادی، ویرایش حسین استادولی، تهران، انتشارات حکمت، ۱۳۶۸.
۵. جواهری، غلامحسین، کلیات اشعار و آثار فارسی شیخ بهایی، تهران، کتابفروشی محمودی.
۶. کشکول، ترجمه، تصحیح و تحشیه سیدابوالقاسم آیت‌اللهی، تهران، انتشارات توکا.
۷. صفوی، کوروش، «نگاهی به چگونگی پیدایش سبک هندی در شعر منظوم فارسی». مجله زبان و ادب، ویژه‌نامه زبان و ادبیات فارسی، تهران، دانشگاه علامه طباطبایی، شماره پانزدهم، سال پنجم، ۱۳۸۱.
۸. مصاحب، غلامحسین، دائره‌المعارف فارسی، تهران، امیرکبیر، کتاب‌های جیبی، چاپ دوم، ۱۳۸۱.
۹. نفیسی، سعید، دیوان شیخ بهایی، تهران، انتشارات زرین، ۱۳۸۲.